

Moderating Effect of Information Environment on the Relation between Accounting Comparability and Tax Avoidance

Mehdi Safari Gerayli¹, Yaser Rezaie Pitenoiei²

Received : 2018/06/17
Approved: 2018/09/25

Research Paper

Abstract

Accounting comparability enables tax authorities to obtain a better understanding of corporate activities and improves their recognition of tax avoidance behaviors and thus it plays a crucial role in curbing managerial incentives and abilities in committing tax avoidance. Based on the arguments, this study is aimed to investigate the relation between accounting comparability and corporate tax avoidance, and to examine the moderating effect (substituting or replacing) of information environment on this relation, using structural equation modeling approach. As a quantitative, correlational and applied study, this research employs a sample of 86 firms listed in Tehran Stock Exchange during the years 2012-2016. The PLS software is adopted to analyze the collected data. Three various measures based on the model proposed by DeFranco et al (2011) are employed to evaluate accounting comparability, and two proxies of book-tax difference and effective tax rate are used to compute tax avoidance. Results reveal that accounting comparability tends to mitigate corporate tax avoidance behaviors. Moreover, in line with the predictions of substitutions theory, the findings suggest that information environment weakens the negative correlation between accounting comparability and corporate tax avoidance.

Keywords: accounting comparability, tax avoidance, information environment.

JEL classification: H25; N20; G14.

DOI: 10.22051/JERA.2018.20829.2065

¹ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad university, Bandar Gaz branch, Bandar Gaz, Iran, corresponding author, (Mehdi.safari83@yahoo.com)

² Assistant of Accounting, Gilan university, Faculty of Literature and Humanities, Gilan, Iran, (rezaei.yasser@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مدل سازی نقش تعدیلی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی

مهدی صفری گرایلی*، یاسر رضائی پیتته نوئی**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۰۳

مقاله پژوهشی

چکیده

قابلیت مقایسه حسابداری، مقامات مالیاتی را قادر می‌سازد که درک بهتری از فعالیت‌های شرکت داشته باشند و روند شناسایی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را از سوی آن‌ها بهبود می‌بخشد. بنابراین قابلیت مقایسه حسابداری نقش مهمی را در کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مدیران با محدود کردن توانایی و انگیزه‌های آن‌ها ایفا می‌کند. لذا بر پایه این استدلال، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری با اجتناب مالیاتی شرکت و همچنین مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی (جایگزینی یا مکمل) محیط اطلاعاتی بر رابطه بین آن‌ها می‌پردازد. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ روش اجرا در زمره همبستگی و بر اساس هدف، از نوع کاربردی است. نمونه آماری پژوهش شامل ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش قابلیت مقایسه حسابداری از سه معیار مختلف طبق مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) و همچنین از دو معیار تفاوت دفتری مالیات و نرخ موثر مالیاتی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده گردید. برای تحلیل داده‌ها نیز، از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس و از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج پژوهش حاکی از آن است که قابلیت مقایسه حسابداری موجب کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود. علاوه بر این مطابق با پیش‌بینی نظریه جایگزینی، نتایج نشان می‌دهد که محیط اطلاعاتی رابطه منفی بین قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تضعیف می‌کند.

واژه‌های کلیدی: قابلیت مقایسه حسابداری، اجتناب مالیاتی، محیط اطلاعاتی.

طبقه‌بندی موضوعی: G14، N20، H25.

DOI: 10.22051/JERA.2018.20829.2065

*دانشیار گروه حسابداری، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران، (نویسنده مسئول)، (Mehdi.safari83@yahoo.com).

**استادیار حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، (rezaei.yasser@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی است که استفاده کنندگان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین اقلام صورت‌های مالی را بررسی نمایند (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). هیئت تدوین‌کننده استانداردهای مالی نیز همواره تأکید بسیاری بر اهمیت قابلیت مقایسه داشته‌اند. به اعتقاد این هیئت، قابلیت مقایسه یکی از چهار ویژگی کیفی اطلاعات مالی محسوب می‌شود، که بیانگر اهمیت بالای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌باشد (ساک و ژائو، ۲۰۱۷). علاوه بر این، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی موجب می‌شود که هنگام مقایسه و تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی شرکت‌ها، نیاز به انجام تعدیلات در اطلاعات کاهش یافته و استفاده‌کنندگان برون سازمانی میزان بیشتری از اطلاعات را با سهولت بیشتر و هزینه کمتر به دست آورند (کیا و صفری گرایلی، ۱۳۹۶). پژوهش‌های اخیر نیز شواهد مختلفی مبنی بر کاربرد قابلیت مقایسه ارائه کرده‌اند و معتقدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث بهبود محیط اطلاعاتی شرکت و افزایش کمیت و کیفیت اطلاعات مالی آن می‌شود، که این مهم تأثیر بسزایی بر قضاوت سرمایه‌گذاران پیرامون ارزش شرکت و نحوه سیاست‌گذاری مدیران شرکت خواهد داشت (دی‌فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱؛ چن و همکاران، ۲۰۱۶؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر، اجتناب مالیاتی همواره به عنوان یک استراتژی مهم برای شرکت محسوب شده که مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است (چن و همکاران، ۲۰۱۴). اجتناب مالیاتی علی‌رغم انتقال ثروت از دولت به شرکت‌ها و افزایش ارزش شرکت، هزینه‌هایی نظیر از دست دادن شهرت و یا جرایم احتمالی را نیز به شرکت تحمیل خواهد نمود. از منظر تئوری نمایندگی نیز، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ارتباط زیادی با حاکمیت شرکتی دارد. چرا که ابهام در این گونه فعالیت‌ها، زمینه رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را فراهم ساخته و می‌تواند منجر به کاهش ارزش شرکت گردد (صفری گرایلی و پودینه، ۱۳۹۵). بر پایه ادبیات نظری موجود، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ضمن ارائه معیارها و ضوابط معین برای تسهیل کشف فرار یا تقلب مالیاتی، موجب کاهش هزینه‌های تحصیل و پردازش اطلاعات برای مقامات مالیاتی هنگام بررسی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شده و به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا با مقایسه اطلاعات مالی شرکت‌ها با یکدیگر، ارزیابی بهتری از اطلاعات مالی مربوط به معاملات

مشمول مالیات شرکت‌ها داشته باشند (ساک و ژائو، ۲۰۱۷). براین اساس، انتظار می‌رود که مدیران شرکت‌های برخوردار از صورت‌های مالی قابل مقایسه تمایل کمتری به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی داشته باشند. علاوه بر این مطابق با نظریه نمایندگی، کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را در پی داشته و بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی اثرگذار است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ گالمور و لابرو، ۲۰۱۵). نظر به این که نقش نظارتی محیط اطلاعاتی، ممکن است جایگزین یا مکمل نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باشد، لذا انتظار بر این است که رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، تحت تأثیر کیفیت محیط اطلاعاتی قرار گرفته و تعدیل گردد. با این وجود، در اغلب مطالعات داخلی صورت گرفته، این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات حسابداری و مالیاتی برای تحقیق در این باره وجود دارد که این خود، انگیزه‌ای جهت انجام پژوهش حاضر می‌باشد. از این رو، انگیزه این پژوهش توسعه ادبیات نظری مرتبط با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و تبیین تأثیر آن بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاوردهایی برای قانونگذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی داشته باشد و این نهادها، شرکت‌ها را به ارائه صورت‌های مالی قابل مقایسه‌تر و محیط اطلاعاتی غنی ترغیب نمایند؛ چرا که نتایج برخی از مطالعات گذشته نشان می‌دهد این امر منجر به کاهش رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود.

مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش

اجتناب مالیاتی

تاکنون هیچ‌گونه تعریف جامع و قابل قبولی از اجتناب مالیاتی در ادبیات حسابداری صورت نگرفته است. با توجه به سطح وسیعی از تعاریف مطرح شده در این زمینه اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه‌ریزی مالی استراتژیک است که در برگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است که از آن جمله می‌توان به هدایت منابع واحد تجاری در جهت فعالیت‌های معاف از مالیات از جمله سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت، مطرح کردن معاملات و رویدادها در یک محدوده زمانی معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی و استفاده از روش‌های

حسابداری که صرفه جویی مالیاتی بیشتری ایجاد می‌کند، اشاره نمود (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴). اجتناب مالیاتی دارای پیامدهای بالقوه مستقیم و غیرمستقیم بسیاری می‌باشد. کاهش هزینه مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه‌های مالیاتی و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرایم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این بنگاه‌ها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن، کاهش ارزش شرکت، از جمله پیامدهای غیرمستقیم فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). بنابراین، تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. نتایج پژوهش‌های پیشین (گراهام و همکاران، ۲۰۱۲؛ ساک و ژائو، ۲۰۱۷) نشان می‌دهد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت است.

قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی

قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی است که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین اقلام صورت‌های مالی را بررسی نموده و ارزیابی منطقی‌تری از فرصت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری یا اعطای وام به عمل آورند (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). براساس چارچوب مفهومی مشترک هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (۲۰۱۰)، قابلیت مقایسه این‌گونه تعریف می‌شود: ویژگی کیفی اطلاعات است که استفاده‌کنندگان را قادر به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو مجموعه از پدیده‌های اقتصادی می‌کند. برای این‌که مقایسه اطلاعات امکان‌پذیر شود، موضوعات مشابه باید مشابه باشند و موضوعات متفاوت باید متفاوت به نظر برسند (بارث و همکاران، ۲۰۱۳). اهمیت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تا آن‌جا است که در بیانیه مفهومی شماره ۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی، یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به استانداردهای گزارشگری مالی، افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی گزارش شده، عنوان شده است و در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران (۱۳۹۰) نیز بیان شده است که اگر اطلاعات مربوط و قابل اتکا باشد، مفید بودن آن در صورت قابل مقایسه بودن و قابل فهم نبودن دچار محدودیت خواهد بود (مهرورز و مرفوع، ۱۳۹۵). در همین راستا، مطالعات متعددی به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه بر رفتار تحلیلگران مالی، سرمایه‌گذاران بازار

سرمایه و مدیران شرکت‌ها پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که قابلیت مقایسه حسابداری رابطه معناداری با دقت پیش‌بینی‌های تحلیلی‌گران دارد. کیم و همکاران (۲۰۱۳) نیز معتقدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ابهام اطلاعاتی پیرامون قیمت‌گذاری ریسک اعتباری شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. این مطالعات نشان می‌دهند که قابلیت مقایسه با کاهش برآوردهای ذهنی باعث کاهش هزینه‌های تحصیل و پردازش اطلاعات و در مقابل، افزایش کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس استفاده‌کنندگان می‌گردد. علاوه بر این، اطلاعات موجود در صورت‌های مالی قابل مقایسه به مقامات مالیاتی کمک می‌کند تا درک بهتری از فعالیت‌های واقعی و کشف فرار مالیاتی شرکت‌ها پیدا نمایند. از آنجا که اطلاعات صورت‌های مالی مربوط به شرکت‌های قابل مقایسه، جایگزین مناسبی برای اطلاعات یک شرکت محسوب می‌شود (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱)، لذا صورت‌های مالی قابل مقایسه، موجب تسهیل درک اطلاعات مالیاتی شرکت‌ها توسط مقامات مالیاتی شده و روند شناسایی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را از سوی آن‌ها بهبود می‌بخشد؛ که این مسئله نقش مهمی در محدود نمودن توانایی و انگیزه‌های مدیران برای اقدام به اجتناب مالیاتی ایفا می‌نماید. لذا این‌گونه استدلال می‌شود که مدیران شرکت‌های دارای صورت‌های مالی قابل مقایسه، تمایل کمتری به اعمال رفتارهای فرصت‌طلبانه و ارتکاب اجتناب مالیاتی دارند. بر پایه این استدلال، ساک و ژائو (۲۰۱۷) شواهدی مبنی بر وجود رابطه منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ارائه کردند.

محیط اطلاعاتی، قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی

محیط اطلاعاتی شرکت شامل اطلاعات عمومی و محرمانه‌ای است که از طریق افشای اجباری یا داوطلبانه شرکت در اختیار بازار سرمایه قرار می‌گیرد. محیط اطلاعاتی به فضای اطلاعاتی خارج شرکت گفته می‌شود که شرکت در آن فعالیت می‌کند و همواره در صدد شفاف‌سازی و کاهش ابهام آن است (فخاری و رضائی پسته نوئی، ۱۳۹۶). مطابق با تئوری نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران، مدیران را به رفتار فرصت‌طلبانه، از جمله بهره‌وری از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی که به‌عنوان یک ابزار برای اپورتونیزم مدیریتی است، سوق می‌دهد (دیسای و دهارماپالا، ۲۰۰۶). از این رو، محیط اطلاعاتی قوی از طریق کاهش مسائل نمایندگی، تمایل مدیران به اعمال رفتارهای فرصت‌طلبانه را محدود ساخته و بر

کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر گذار است (گالمور و لابرو، ۲۰۱۵). بدین ترتیب کیفیت محیط اطلاعاتی را می‌توان مکانیزمی مؤثر دانست که اجتناب مالیاتی شرکت را کاهش داده و بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی اثر گذار است (ساک و ژائو، ۲۰۱۷).

در خصوص تأثیر محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، دو نظریه رقیب (نظریه جایگزینی و نظریه مکمل) در ادبیات مالی مطرح شده است. از یک‌سو، نظریه جایگزینی بیان می‌کند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند جایگزینی مناسب برای کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت در امر نظارت بر رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و تلاش آن‌ها برای پرداخت کمتر مالیات باشد. به طوری که در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف به دلیل عدم اعمال نظارت مؤثر، نقش قابلیت مقایسه حسابداری پررنگ‌تر شده و بنابراین، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در این شرکت‌ها تأثیر بیشتری بر کاهش اجتناب مالیاتی دارد (گالمور و لابرو، ۲۰۱۵). در مقابل، نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در نظارت بر رفتار مدیران و کاهش اجتناب مالیاتی، زمانی که شرکت دارای محیط اطلاعاتی قوی باشد، کم‌رنگ‌تر خواهد بود.

ساک و ژائو (۲۰۱۷) نیز شواهدی را در پشتیبانی از این نظریه، ارائه نموده و دریافتند در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف، رابطه بین قابلیت مقایسه و کاهش اجتناب مالیاتی قوی‌تر است. از سوی دیگر بر اساس نظریه مکمل، نقش نظارتی محیط اطلاعاتی مکمل نقش قابلیت مقایسه حسابداری بوده و در نتیجه انتظار می‌رود که در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی قوی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر بیشتری بر کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی داشته باشد.

بنابراین با توجه به مطالب مطروحه فوق و نظر به این که نقش نظارتی محیط اطلاعاتی ممکن است جایگزین یا مکمل نقش قابلیت مقایسه حسابداری باشد، لذا انتظار می‌رود که رابطه بین قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی شرکت، تحت تأثیر محیط اطلاعاتی قرار گرفته و تعدیل (تضعیف یا تقویت) گردد.

پیشینه پژوهش

حبیب و همکاران (۲۰۱۸) با استفاده از داده‌های نمونه‌ای از شرکت‌های آمریکایی، تأثیر محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با نوسان بازده سهام شرکت‌ها را بررسی نمودند و دریافتند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها، نوسان بازده سهام را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که در شرکت‌های با محیط اطلاعاتی ضعیف، رابطه منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نوسان بازده سهام، قوی‌تر است. ساک و ژائو (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری با اجتناب مالیاتی شرکت‌های حاضر در بازار سرمایه آمریکا پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌گردد. همچنین، در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف، رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و کاهش اجتناب مالیاتی قوی‌تر است. ایمهوف و همکاران (۲۰۱۷) با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۲۷۴۳۸ شرکت - سال مشاهده از مجموع شرکت‌های حاضر در بورس سهام آمریکا طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴، به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه حسابداری و هزینه سرمایه شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها، هزینه سرمایه آن‌ها کاهش می‌یابد. کیم و همکاران (۲۰۱۶) با بهره‌گیری از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها در بازار سرمایه چین پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها، ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد. ساهن (۲۰۱۶) با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۳۲۲۱۱ شرکت - سال مشاهده از شرکت‌های حاضر در بورس سهام آمریکا طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۱۲ به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود شرکت‌ها پرداخت و به این نتیجه رسید که قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و در مقابل، افزایش مدیریت واقعی سود می‌شود. کانگ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدت زمان حسابرسی شرکت‌های فعال در بورس سهام کره جنوبی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ پرداختند و شواهدی مبنی بر وجود رابطه منفی میان

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها و مدت زمان انجام عملیات حسابرسی آن‌ها، ارائه نمودند. چوی و همکاران (۲۰۱۵) تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی را برای نمونه‌ای مشتمل بر ۳۲۳۶۶ سال-شرکت مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ بررسی نمودند. یافته‌های آنان نشان داد شرکت‌هایی که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیشتری دارند، ضریب واکنش سودهای آتی آن‌ها بیشتر است. گالمور و لایبرو (۲۰۱۵) به بررسی اهمیت محیط اطلاعات داخلی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر از اجتناب مالیاتی کمتری برخوردارند. لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۳) ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ برای نمونه‌ای شامل ۴۰۸ شرکت استرالیایی مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، سطح اجتناب مالیاتی آن‌ها را کاهش می‌دهد. بالاکریشنان و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان اجتناب مالیاتی و شفافیت شرکت و با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۴۱۶۵ شرکت-سال مشاهده از شرکت‌های حاضر در بورس سهام آمریکا طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ به بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی موجب کاهش شفافیت اطلاعاتی شرکت می‌گردد.

رضائی پیتونوی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با میزان اجتناب مالیاتی شرکت و مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی بر این رابطه پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که اعتماد اجتماعی موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد. علاوه بر این نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی رابطه منفی بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تضعیف می‌کند. خدابی پور و شیبانی تذرجی (۱۳۹۷) طی پژوهشی تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی را با توجه به نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری پژوهش شامل ۷۹ شرکت پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ بود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، رابطه مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب از مالیات زمانی برجسته‌تر است که شرکت کمتر در مدیریت

سود واقعی در گیر شود. دارایی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌ها پرداختند. در این پژوهش، تعداد ۴۷ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ بررسی گردید. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که اگر شرکت دارای مسئولیت اجتماعی باشد، میانگین اجتناب از مالیات و میانگین ارزش افزوده اقتصادی آن‌ها کم‌تر خواهد شد. کیا و صفری گرایلی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مدیران روش‌های مدیریت واقعی سود را جایگزین دستکاری ارقام تعهدی می‌کنند. فخاری و رضائی پینه‌نوئی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان ارائه مدلی برای سنجش محیط اطلاعاتی شرکت، عوامل مؤثر بر کیفیت محیط اطلاعاتی را اندازه شرکت، مالکیت نهادی، فرصت‌های رشد شرکت، عمر شرکت، دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، تعداد سهامداران شرکت، خطای پیش‌بینی سود، دفعات گردش سهام، معیار عدم نقد شوندگی آمیهود و نوسان‌پذیری بازده سهام شرکت معرفی کردند. مهروز و مرفوع (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی و همچنین نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت و اطلاعات سودهای آتی مربوط به صنعت در قیمت سهام دوره جاری پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و آگاهی بخشی قیمت سهام رابطه مثبت وجود ندارد و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به انعکاس اطلاعات سودهای آتی مربوط به صنعت و انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت در قیمت سهام دوره جاری کمک نمی‌کند. فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۵) تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام شرکت‌ها را برای نمونه‌ای متشکل از ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام تأثیر منفی و معناداری دارد. مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه برخی از معیارهای حاکمیت شرکتی؛ شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره؛ و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. در این پژوهش ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت.

نتیجه پژوهش مبین آن بود که رابطه معناداری بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردند:

فرضیه اول: قابلیت مقایسه حسابداری، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت را کاهش می‌دهد.
فرضیه دوم: محیط اطلاعاتی، رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی بوده و در زمره تحقیقات توصیفی حسابداری به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، به لحاظ معرفت‌شناسی از نوع تجربه‌گرا، سیستم استدلال آن قیاسی - استقرایی و به لحاظ نوع مطالعه میدانی - کتابخانه‌ای با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدادی (یعنی استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ تشکیل می‌دهد و نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

۱- شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۱ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۵ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند. همچنین، از آنجا که برای محاسبه متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به داده‌های ۱۶ فصل (۴ سال) قبل آن نیاز بوده است، از این رو داده‌های مورد نیاز شرکت‌های نمونه باید برای دوره ۸ ساله (سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵) در دسترس باشد.

۲- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

۳- طی سال‌های مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.

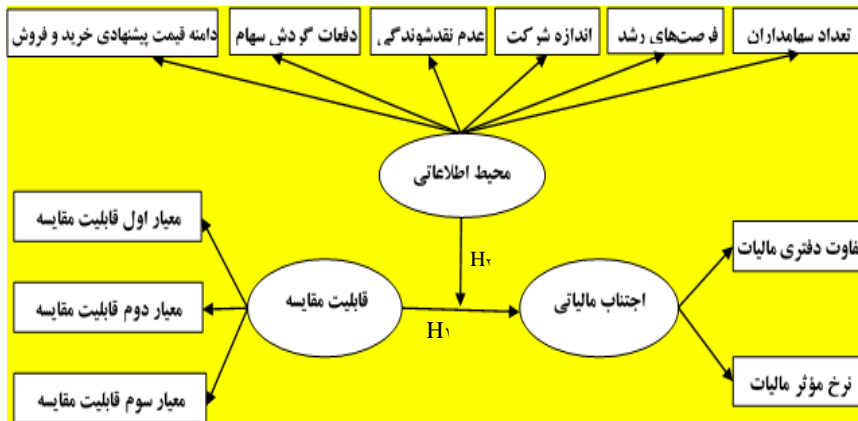
۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

۵- از آنجا که متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در سطح صنعت تعریف و محاسبه شده است، لذا تنها صناعی در نظر گرفته شدند که بیشتر از ۱۰ شرکت داشته باشند.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۸۶ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نیز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی ال اس صورت گرفته است. مراحل انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری بدین ترتیب است که ابتدا به بررسی برازش مدل (شامل برازش مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش مدل کلی) و سپس به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

مدل مفهومی و متغیرهای پژوهش

با توجه به مبانی نظری تحقیق، چارچوب مدل مفهومی پژوهش حاضر بر اساس رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در شکل (۱) ترسیم شده است.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، قابلیت مقایسه حسابداری (COM) است که برای اندازه‌گیری آن از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. براساس این مدل، سیستم حسابداری یک شرکت به‌عنوان تابعی در نظر گرفته می‌شود که رویدادهای اقتصادی (بازده سهام) را به گزارش‌های مالی (سود حسابداری) تبدیل می‌کند. به‌طوری‌که، هر چه تابع حسابداری دو شرکت شباهت بیشتری با هم داشته باشد، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی آن‌ها بیشتر خواهد بود. با استفاده از این معیار برای محاسبه قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j ابتدا مدل رگرسیونی زیر برای هر شرکت - سال و با استفاده از داده‌های سری زمانی دوره چهار ساله (۱۶ فصل) اخیر برآورد می‌شود:

$$Earning_{i,t} = \alpha_i + \beta_i Return_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

Earning: سود خالص فصلی تقسیم بر ارزش بازار ابتدای دوره سهام شرکت و **Return**: بازده سهام فصلی شرکت است.

ضرایب برآورد شده از رابطه (۱) معرف تابع حسابداری شرکت است که رویدادهای اقتصادی (بازده) را به گزارش حسابداری (سود) تبدیل می‌کند. یعنی $\hat{\alpha}_i$ و $\hat{\beta}_i$ نشان دهنده تابع حسابداری شرکت i و ضرایب $\hat{\alpha}_j$ و $\hat{\beta}_j$ معرف تابع حسابداری شرکت j است. شباهت بین تابع حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می‌دهد. لذا برای برآورد تفاوت بین تابع و عملیات حسابداری دو شرکت i و j در هر سال از طریق رابطه‌های زیر سود شرکت i به‌طور جداگانه یکبار با استفاده از تابع حسابداری خود شرکت i و یکبار با استفاده از تابع حسابداری شرکت j اما با بازده خود شرکت i (رویداد مشابه)، برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه (۱) پیش‌بینی می‌شود:

$$E(Earning)_{iit} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i Return_{i,t} \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$E(Earning)_{ijt} = \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j Return_{i,t} \quad \text{رابطه (۳)}$$

در رابطه فوق:

$E(Earning)_{iit}$: سود پیش‌بینی شده شرکت i در دوره t با استفاده از تابع حسابداری شرکت i و $E(Earning)_{ijt}$: سود پیش‌بینی شده شرکت i در دوره t با استفاده از تابع حسابداری شرکت j می‌باشد.

پس از محاسبه مقادیر فوق، میانگین تفاوت در مقادیر سود پیش‌بینی شده بیانگر تفاوت در تابع حسابداری دو شرکت است. لذا قرینه آن، میزان شباهت و قابلیت مقایسه بین دو شرکت را به شرح رابطه (۴) نشان می‌دهد:

$$\text{رابطه (۴)} \quad \text{CompAcc}_{ijt} = \frac{-1}{16} \sum_{t-15}^t |E(Earning)_{iit} - E(Earning)_{ijt}|$$

که در رابطه فوق، CompAcc_{ijt} : قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بین دو شرکت i و j در سال t است. به طریق مشابه، برای هر سال و برای هر جفت شرکت i با شرکت‌های ز عضو یک صنعت، معیار CompAcc_{ijt} محاسبه می‌گردد. سپس مشابه با مطالعات کیم و همکاران (۲۰۱۶) و حبیب و همکاران (۲۰۱۷) از سه معیار متفاوت برای سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت i در سال t استفاده می‌شود. به طوری که، معیار اول (COM1) میانگین تمامی مقادیر محاسبه شده؛ معیار دوم (COM2) میانگین چهار عدد بزرگ‌تر محاسبه شده و معیار سوم (COM3) میانگین ده عدد بزرگ‌تر محاسبه شده برای شرکت i در سال t می‌باشد.

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی (TA) به عنوان متغیر وابسته پژوهش حاضر در نظر گرفته شده که برای اندازه‌گیری آن مطابق با پژوهش ساک و ژائو (۲۰۱۷) و صفری گرایلی و پودینه (۱۳۹۵) از دو معیار استفاده شده است. معیار اول اجتناب مالیاتی، تفاوت دفتری مالیات از طریق تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات شرکت بدست می‌آید که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌گردد. به منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شده است. دومین معیار اجتناب مالیاتی، نرخ موثر مالیاتی بوده که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETR = \frac{TTE}{PTE}$$

که در آن:

ETR: نرخ موثر مالیاتی شرکت، TTE کل هزینه مالیات شرکت و: PTE سود قبل از مالیات شرکت می‌باشد. از آنجا که هر چه نرخ موثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود.

متغیر تعدیل‌گر

متغیر تعدیل‌گر مورد استفاده در این پژوهش، محیط اطلاعاتی شرکت (IE) می‌باشد که به پیروی از فخاری و رضائی پیتونه‌نوئی (۱۳۹۶) و فخاری و رضائی پیتونه‌نوئی (۲۰۱۷) برای اندازه‌گیری آن از متغیرهای مشاهده‌پذیر زیر استفاده شده است:

الف) دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام: عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک انتخاب معایر تأمین‌کنندگان نقدینگی (بازار سازها) را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر سطوح بالاتر عدم تقارن اطلاعاتی با دامنه قیمت پیشنهادی بالاتر همراه خواهد بود (باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۹). از این رو دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به‌طور گسترده در پژوهش‌های پیشین به‌عنوان معیار معکوس محیط اطلاعاتی بکار رفته است:

$$SPREAD_{it} = \frac{1}{D_{it}} \sum_{i=1}^{D_{it}} \frac{(ASK_i - BID_i)}{(ASK_i + BID_i) / 2}$$

که در این رابطه:

SPREAD_{it}، دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت *i* در سال *t*؛

ASK_i، آخرین قیمت پیشنهادی فروش روزانه سهام شرکت *i*؛

BID_i، آخرین قیمت پیشنهادی خرید روزانه سهام شرکت *i* و

D_{it}، تعداد روزهایی از سال *t* است که در آن آخرین قیمت پیشنهادی خرید و آخرین قیمت پیشنهادی فروش روزانه برای سهام شرکت *i* در دسترس باشد.

ب) دفعات گردش سهام: شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا، گردش سهام کمتری خواهند داشت. زیرا معامله‌گران ناآگاه با علم به اینکه آن‌ها در معامله با افراد آگاه متحمل

زیان خواهند شد با احتمال کمتری اقدام به معامله در سهام این شرکت‌ها خواهند کرد (لیائو، ۲۰۰۹). از این رو تعداد دفعات گردش سهام به‌عنوان یک معیار مستقیم محیط اطلاعاتی بکار می‌رود (ماهد، ۲۰۰۵):

$$\text{share turnover}_{it} = \frac{1}{D_{it}} \sum_{i=1}^{D_{it}} \frac{\text{shares traded}_i}{\text{Shares Outstanding}_i}$$

که در این رابطه:

$\text{share turnover}_{it}$: دفعات گردش سهام شرکت i در سال t ؛

shares traded_i : تعداد سهام معامله‌شده روزانه شرکت i ؛

$\text{Shares Outstanding}_i$: تعداد کل سهام منتشره شرکت i و

D_{it} : تعداد روزهایی از سال t است که در آن سهام شرکت i معامله شده باشد.

ج) معیار عدم نقد شونددگی آمیهدود: هر چه محیط اطلاعاتی شفاف‌تر باشد، از سطح عدم تقارن اطلاعاتی بازار کاسته شده و نقد شونددگی سهام شرکت افزایش می‌یابد. بنابراین، نسبت عدم نقد شونددگی آمیهدود به‌عنوان معیار معکوس محیط اطلاعاتی شرکت تلقی می‌گردد.

$$\text{ILLIQ}_{it} = \frac{1}{D_{i,t}} \sum_{i=1}^{D_{i,t}} \frac{|R_i|}{\text{VOL}_i}$$

که در رابطه فوق:

ILLIQ_{it} : معیار عدم نقد شونددگی شرکت i در سال t ؛

$|R_i|$: قدر مطلق بازده روزانه سهام شرکت i ؛

VOL_i : حجم ریالی معاملات روزانه شرکت i ؛

D_{it} : تعداد روزهایی از سال t است که در آن سهام شرکت i معامله شده باشد.

د) اندازه شرکت: بر مبنای مطالعات نظری واسان و بون (۲۰۱۰) و آتیگ و همکاران (۲۰۰۶)، شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل برخورداری از پوشش رسانه‌ای گسترده‌تر، توجه بیشتر از سوی بازار، قانون‌گذاران و تحلیلگران، از محیط اطلاعاتی به‌مراتب شفاف‌تری برخوردار می‌باشند. بنابراین اندازه به‌عنوان یک معیار مستقیم محیط اطلاعاتی بکار می‌رود. در این

پژوهش به پیروی از کای (۲۰۱۵) و ساک و ژائو (۲۰۱۷) از لگاریتم فروش خالص شرکت برای سنجش اندازه شرکت استفاده شده است.

ه) فرصت‌های رشد: لیاو (۲۰۰۹) معتقد است که شرکت‌های با فرصت‌های رشد مطلوب‌تر، دارای مزایای رقابتی بوده، بنابراین برای حفظ این مزایای رقابتی تمایل چندانی به ارائه و افشای کامل اطلاعات عملیاتی حساس خود ندارند. بنابراین فرصت‌های رشد به‌عنوان معیار معکوس محیط اطلاعاتی شرکت تلقی می‌گردد. در این پژوهش نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام به‌عنوان معیار سنجش فرصت‌های رشد مدنظر قرار گرفته شده است.

و) تعداد سهامداران شرکت: هرچه تعداد سهامداران یک شرکت بیشتر باشد، میزان اطلاعات موجود در بازار نیز افزایش یافته و در نتیجه محیط اطلاعاتی شرکت قوی‌تر می‌شود و به‌عنوان یک معیار مستقیم محیط اطلاعاتی بکار می‌رود که از طریق لگاریتم تعداد سهامداران شرکت محاسبه شده است (کای و همکاران، ۲۰۱۵).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی می‌باشد را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نگاره ملاحظه می‌شود، مقدار میانگین متغیر تفاوت دفتری مالیات (۰/۰۸۱)، حاکی از آن است که به‌طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آن‌ها است. میانگین نرخ موثر مالیاتی نیز حدود ۱۲ درصد بوده که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵ درصد)، می‌توان گفت به‌طور کلی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. همچنین، میانگین معیارهای اول تا سوم قابلیت مقایسه حسابداری به ترتیب ۰/۱۵۷-، ۰/۰۴۸- و ۰/۰۸۷- است که بیشتر از مقادیر گزارش شده در پژوهش‌های کیم و همکاران (۲۰۱۶) و ساک و ژائو (۲۰۱۷) می‌باشد. این موضوع بیانگر آن است که صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه در این مطالعه، از قابلیت مقایسه بالاتری برخوردارند. همچنین از بین متغیرهای معرف محیط اطلاعاتی، فرصت‌های رشد شرکت بیشترین انحراف معیار را به خود اختصاص داده و نکته قابل توجه دیگر این نگاره، بیشتر بودن ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اغلب شرکت‌های

نمونه از ارزش دفتری آن است که ملاحظه مقدار میانگین متغیر فرصت‌های رشد (۲/۹۳۳) در نگاره فوق، گواه این مدعاست.

نگاره (۱): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
تفاوت دفتری مالیات	BTD	-۰/۰۸۱	-۰/۰۷۲	-۰/۰۴۴	۰/۵۲۸	۰/۱۳۳
نرخ مؤثر مالیات	ETR	-۰/۱۲۱	-۰/۱۱۷	-۰/۴۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲
معیار اول قابلیت مقایسه	COM ₁	-۰/۱۵۷	-۰/۱۵۲	-۰/۵۰۸	-۰/۰۱۱	۰/۰۷۳
معیار دوم قابلیت مقایسه	COM ₂	-۰/۰۴۸	-۰/۰۴۶	-۰/۳۱۹	-۰/۰۰۵	۰/۰۳۲
معیار سوم قابلیت مقایسه	COM ₃	-۰/۰۸۷	-۰/۰۸۲	-۰/۳۷۵	-۰/۰۰۹	۰/۰۵۱
دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش	SPREAD	۰/۶۸۳	۰/۶۴۸	۰/۰۱۰	۱/۷۶۶	۰/۳۶۱
دفعات گردش سهام	TURN	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۰/۰۰۴
معیار عدم نقدشوندگی	ILIQ	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	SIZE	۱۲/۲۰۱	۱۲/۰۵۶	۹/۹۱۲	۱۴/۵۶۴	۰/۷۶۹
فرصت‌های رشد	GWTH	۲/۹۳۳	۲/۳۰۱	-۲۷/۳۸۸	۱۲۱/۵۱۰	۷/۰۱۱
تعداد سهامداران شرکت	NUM	۳/۹۱۳	۳/۹۰۶	۲/۲۱۷	۵/۱۸۱	۱/۵۲۲

برازش مدل‌های اندازه‌گیری

در برازش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. پایایی نیز از سه طریق، سنجش بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی می‌گردد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد (هولاند، ۲۵، ۱۹۹۹). با توجه به نگاره (۲)، تمامی ضرایب بارهای عاملی از ۰/۴ بیشتر است که بیانگر مناسب بودن مدل‌های اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش می‌باشد.

ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز در صورتی که بالاتر از ۰/۷ باشد، حاکی از پایایی مناسب مدل می‌باشند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). با توجه به نگاره (۳) مقادیر مربوط برای تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۷ بوده که نشان‌دهنده پایایی مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش است.

نگاره (۲): بار عاملی هر یک از متغیرهای آشکار پژوهش

سازه‌ها	عنوان در مدل	زیر سازه	بار عاملی
قابلیت مقایسه حسابداری	COM	COM ₁	۰/۹۹۱
		COM ₂	۰/۹۹۳
		COM ₃	۰/۶۴۳
اجتناب مالیاتی	TA	BTD ETR	۰/۹۲۰ ۰/۹۳۳
محیط اطلاعاتی	IE	SPREAD TURN ILIQ SIZE GWTN NUM	-۰/۷۱۳
			۰/۸۱۱
			-۰/۷۵۰
			۰/۷۷۳
			-۰/۷۶۹
			۰/۸۴۷

نگاره (۳): ضرایب آلفای کرونیخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان

متغیرهای پنهان	عنوان در مدل	ضریب آلفای کرونیخ	ضریب پایایی ترکیبی
قابلیت مقایسه حسابداری	COM	۰/۸۹۲	۰/۹۱۸
اجتناب مالیاتی	TA	۰/۸۳۵	۰/۹۲۳
محیط اطلاعاتی	IE	۰/۸۷۱	۰/۹۰۲
محیط اطلاعاتی × قابلیت مقایسه	IE*COM	۰/۹۶۱	۰/۹۶۱

روایی همگرا، ابزار دیگری برای بررسی مدل‌های اندازه‌گیری است. روایی همگرا با استفاده از معیار AVE (میانگین واریانس استخراجی)، میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با متغیرهای (شاخص‌ها) خود را نشان می‌دهد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مقدار بحرانی برای این معیار را ۰/۵ معرفی نموده‌اند؛ بدین معنی که مقدار AVE بیشتر از ۰/۵ روایی همگرای قابل قبول را نشان می‌دهد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). همان‌گونه که در نگاره (۴) ملاحظه می‌شود، میانگین واریانس استخراجی برای تمامی متغیرهای پنهان، بیشتر از ۰/۵ بوده که بیانگر روایی همگرای مناسب مدل است.

روایی واگرا، سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی بین آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر را مقایسه می‌کند.

تکانه (۴): میانگین واریانس استخراجی (AVE) متغیرهای پنهان

Commuality	میانگین واریانس استخراجی	عنوان در مدل	متغیرهای پنهان
۰/۷۹۴	۰/۷۹۴	COM	قابلیت مقایسه حسابداری
۰/۸۵۹	۰/۸۵۹	TA	اجتناب مالیاتی
۰/۶۰۶	۰/۶۰۶	IE	محیط اطلاعاتی
۰/۵۷۹	۰/۵۷۹	IE*COM	محیط اطلاعاتی × قابلیت مقایسه

با توجه به نگاره (۵)، مقدار جذر میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. این بدان معناست که هر سازه در مدل تحقیق نسبت به دیگر سازه‌ها با شاخص‌های خود در تعامل بیشتری است. این موضوع، روایی و اگرایی مناسب و برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را نشان می‌دهد.

تکانه (۵): ماتریس فورنل و لارکر جهت بررسی روایی واگرا

سازه‌ها	محیط اطلاعاتی × قابلیت مقایسه	محیط اطلاعاتی	اجتناب مالیاتی	قابلیت مقایسه
قابلیت مقایسه				۰/۸۹۱
اجتناب مالیاتی			۰/۹۲۷	-۰/۱۵۳
محیط اطلاعاتی		۰/۷۷۸	۰/۵۳۹	-۰/۰۵۹
محیط اطلاعاتی × قابلیت مقایسه	۰/۷۶۱	۰/۰۸۸	۰/۱۴۱	۰/۱۶۷

با توجه به نتایج پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا مشاهده می‌شود که مدل‌های اندازه‌گیری مدل معادلات ساختاری پژوهش به نحوی مطلوب، توانایی اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش را دارند. لذا، در ادامه برازش مدل ساختاری پژوهش بررسی می‌گردد.

برازش مدل ساختاری

بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری تحقیق، به متغیرهای آشکار کاری ندارد، بلکه تنها متغیرهای پنهان تحقیق همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌شود.

اولین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش، ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای درون‌زا (وابسته) مدل است. R^2 معیاری است که نشان‌دهنده تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا بوده و سه مقدار $0/19$ ، $0/33$ و $0/67$ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می‌شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). مطابق با نگاره (۶) مقدار R^2 برای متغیر درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که با توجه به مقادیر ملاک، می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری پژوهش را تأیید نمود.

نگاره (۶): نتایج معیار R^2 متغیر درون‌زا

متغیر درون‌زا	عنوان در مدل	R^2
اجتناب مالیاتی	TA	۰/۳۸۸

دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش، مقدار Q^2 متغیرهای درون‌زای مدل است. این معیار قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) هر یک از سه مقدار $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ برای این معیار را به ترتیب بیانگر قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی در مورد سازه مربوطه معرفی نموده‌اند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). با توجه به نگاره (۷)، مقدار Q^2 متغیر درون‌زا از $0/15$ بیشتر شده است که نشان از قدرت پیش‌بینی قوی مدل دارد و برازش مناسب مدل ساختاری تحقیق را تأیید می‌کند.

نگاره (۷): نتایج معیار Q^2 در پیش‌بینی مدل

کل	SSE	SSO	$Q^2 = 1 - \frac{SSE}{SSO}$
اجتناب مالیاتی	۱۵۵	۳۰۰	۰/۴۸۴

برازش مدل کلی

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری، مدل کلی معادلات ساختاری پژوهش باید با استفاده از معیار نیکویی برازش (GOF) بررسی گردد. مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی، از معیار GOF به شرح رابطه زیر، استفاده می‌شود:

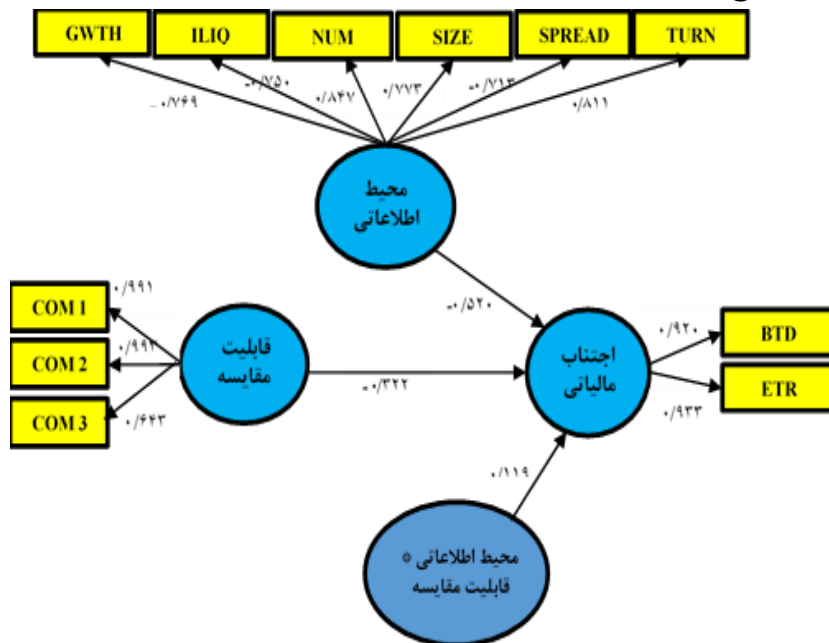
$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

که در آن:

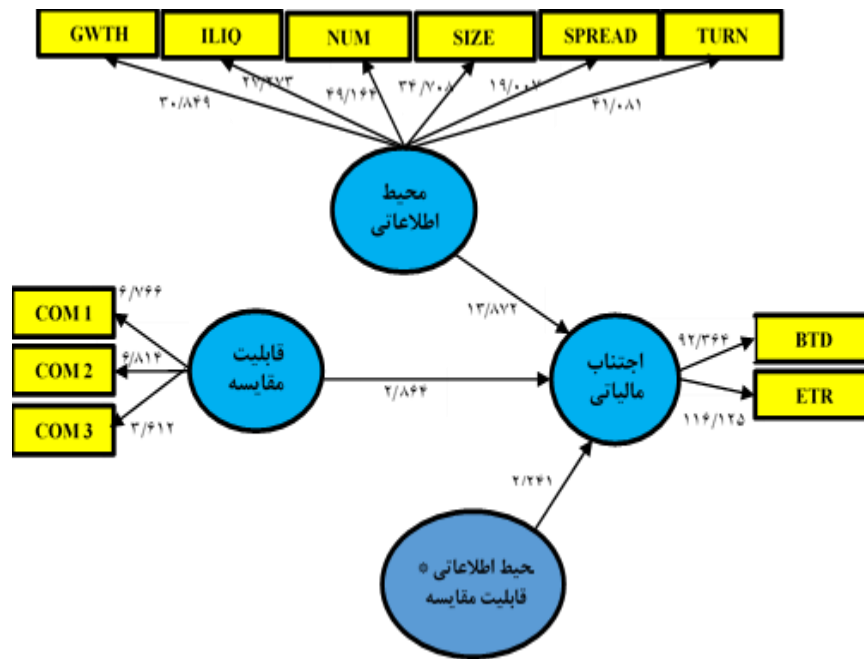
Communalities: میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان و R^2 : میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این که مقدار بدست آمده برای مدل پژوهش، ۰/۵۲۵ است؛ لذا برازش بسیار مناسب مدل کلی تحقیق تایید می‌گردد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل کلی و با توجه به شکل‌های (۲) و (۳) به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در نگاره (۸) ارائه شده است:



شکل (۲): مدل پژوهش همراه با ضریب استاندارد شده مسیر

شکل (۳): مدل پژوهش همراه با مقادیر t -values

نگاره (۸). نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش

مسیر	علامت اختصاری	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه آزمون فرضیه
قابلیت مقایسه <---> اجتناب مالیاتی	COM <---> TA	-۰/۳۲۲	۲/۸۶۴	پذیرش فرضیه
محیط اطلاعاتی <---> اجتناب مالیاتی	IE <---> TA	-۰/۵۲۰	۱۳/۸۷۲	پذیرش فرضیه
محیط اطلاعاتی X قابلیت مقایسه <---> اجتناب مالیاتی	IE*COM <---> TA	۰/۱۱۹	۲/۲۴۱	پذیرش فرضیه

همان‌طور که در نگاره فوق ملاحظه می‌شود، ضریب مسیر بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت، منفی (-۰/۳۲۲) و آماره t آن (۲/۸۶۴) بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ بوده که حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که آماره t مربوط به متغیر اثر تعاملی محیط اطلاعاتی و قابلیت مقایسه حسابداری

(۲/۲۴۱) بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ بوده و ضریب مسیر آن نیز (۰/۱۱۹) مثبت به‌دست آمده است. بدین ترتیب، فرضیه دوم تحقیق نیز در سطح خطای ۵ درصد تایید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

یکی از منابع دولت، وصول مالیات از شرکت‌هاست. با این وجود، معمولاً شرکت‌ها در تلاش‌اند که مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند. در این میان، اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی است که ممکن است شرکت‌ها توسط آن سعی در کاهش مالیات نمایند. به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی بوده و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. بر این اساس، پژوهش‌های مختلف صورت گرفته به بررسی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداخته و نشان دادند که یکی از این عوامل، قابلیت مقایسه حسابداری می‌باشد. از این‌رو، در پژوهش حاضر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری با میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و همچنین اثر تعدیلی محیط اطلاعاتی به عنوان یکی از مکانیزم‌های نظارتی بر رابطه بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش حاضر از این حیث دارای اهمیت است که در زمره نخستین تحقیقات داخلی می‌باشد که به بررسی این موضوع پرداخته و از این‌رو، می‌تواند به توسعه ادبیات حسابداری و مالیاتی در کشورهای در حال توسعه از جمله بازار سرمایه نوظهور ایران، کمک شایانی نماید. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش بیانگر آن است که قابلیت مقایسه حسابداری موجب کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد. این یافته بدان معناست است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، موجب افزایش کیفیت و کمیت اطلاعات در دسترس ممیزان مالیاتی گشته که این به نوبه خود، ضمن تسهیل درک اطلاعات مالیاتی شرکت‌ها توسط مقامات مالیاتی، روند شناسایی و کشف فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را از سوی آنان بهبود می‌بخشد. از این‌رو، مدیران شرکت‌های دارای صورت‌های مالی قابل مقایسه، انگیزه کمتری برای اعمال رفتارهای فرصت‌طلبانه و ارتکاب اجتناب مالیاتی دارند. نتیجه بدست آمده در این پژوهش با یافته‌های ساک و ژائو (۲۰۱۷) مبنی بر وجود رابطه منفی بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، سازگار است. در فرضیه دوم پژوهش، اثر تعدیلی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که محیط اطلاعاتی، بر

رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی اثرگذار بوده و رابطه منفی بین آن‌ها را تضعیف می‌کند. این یافته مطابق با پیش‌بینی نظریه جایگزینی است که بیان می‌کند مکانیزم‌های نظارتی نظیر قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری می‌توانند جایگزینی مناسب برای محیط اطلاعاتی شرکت، در امر نظارت بر رفتار فرصت‌طلبانه مدیران در فرآیند گزارشگری مالی باشند. به‌طوری‌که در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف به دلیل عدم اعمال نظارت موثر، نقش نظارتی قابلیت مقایسه حسابداری پررنگ‌تر شده و بنابراین، تأثیر بازدارندگی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف، به مراتب بیشتر از سایر شرکت‌هاست. در مقابل، نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در نظارت بر رفتار مدیران و کاهش اجتناب مالیاتی، زمانی که شرکت دارای محیط اطلاعاتی قوی باشد، کم‌رنگ‌تر خواهد بود. گالمور و لابرو (۲۰۱۵) و ساک و ژائو (۲۰۱۷) نیز در پژوهش‌های خود به نتایج مشابهی دست یافته و بیان نمودند که در شرکت‌های با محیط اطلاعاتی ضعیف، رابطه منفی بین قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی، قوی‌تر است.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نیز پیشنهاد می‌شود تا با تدوین استانداردهای حسابداری سخت‌گیرانه‌تری در خصوص الزام شرکت به ارائه اطلاعات حسابداری و صورت‌های مالی قابل مقایسه با سایر شرکت‌ها، زمینه اعمال رفتار فرصت‌طلبانه مدیران در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را محدود نمایند. علاوه بر این، به نهادهای قانون‌گذار و تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی نیز پیشنهاد می‌گردد که نسبت به تدوین قوانین و مقررات مربوط به انجام امور نظارتی در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف توجه بیشتری نموده و با الزام شرکت‌های مزبور به ارائه صورت‌های مالی قابل مقایسه، این ضعف را جبران نمایند. به پژوهشگران آتی نیز توصیه می‌شود که تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بررسی گردد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که نقش تعدیلی‌کنندگی کیفیت حسابرسی به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای نظارتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

- خدای پور، احمد؛ شیبانی تدرجی، عباس. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی - شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری*، ۹ (۲)، ۱۲۹-۱۰۳.
- دارابی، رویا؛ پاشانزاد، یوسف؛ تدین فرد، اسماعیل. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، ۴ (۱۵)، ۹۲-۶۷.
- داوری، علی؛ رضازاده، آرش. (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. *انتشارات جهاد دانشگاهی*، تهران، چاپ دوم.
- رضایی، فرزین؛ جعفری نیارکی، روح‌الله. (۱۳۹۴). رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها، *پژوهشنامه مالیات*، ۲۳ (۲۶)، ۱۰۹-۱۳۴.
- رضائی پیتهنوئی، یاسر؛ صفری گرایلی، مهدی؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۸). مدل‌بندی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹ (۳۴)، ۲۴۶-۲۲۱.
- صفری گرایلی، مهدی؛ پودینه، شیوا. (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۴ (۳۱)، ۱۰۲-۱۱۸.
- فخاری، حسین؛ رضائی پیتهنوئی، یاسر. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای سنجش محیط اطلاعاتی شرکت. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۹ (۳۳)، ۱۲۱-۱۴۷.
- فخاری، حسین؛ رضائی پیتهنوئی، یاسر. (۱۳۹۷). تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت. *حسابداری مدیریت*، ۱۱ (۳۳)، ۶۳-۷۹.
- فروغی، داریوش؛ قاسم‌زاد، پیمان. (۱۳۹۵). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۸ (۱)، ۵۴-۳۹.
- کیا، علی؛ صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۶). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری مالی*، ۴ (۲)، ۱۳۷-۱۱۵.
- مشایخی، بیتا؛ سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. *دانش حسابداری*، ۶ (۲۰)، ۱۰۳-۸۳.
- مهرروز، فاطمه؛ مرفوع، محمد. (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۹)، ۸۳-۱۱۰.

- Attig, N. , Fong, W. M. , Gadhoum, Y. , Lang, L. (2006). Effects of large shareholding on information asymmetry and stock liquid. *Available at URL: www.elsevier.com/locate/jbf*.
- Balakrishnan, K. , Blouin, J. , Guay, W. (2012). Does tax aggressiveness reduce financial reporting transparency? Working Paper. London Business School.
- Barth, M. E. , R. Landsman, W. , H. Lang, M. , &D. Williams, C. (2013). Effects on comparability and capital market benefits of voluntary adoption of IFRS by US Firms: Insights from voluntary adoption of IFRS by non-US Firms. Working Paper. Stanford University, University of North Carolina at Chapel Hill, and University of Michigan. available at: <http://ssrn.com/abstract=2196247>.
- Bhattacharya, N. , Desai, H. , Venkataraman. K. (2009). Earnings quality and information asymmetry. Available at URL: <http://www.ssrn.com>.
- Cai, J. , Liu, Y. , Qian, Y. , Yu, M. (2015). Information Asymmetry and Corporate Governance. available at: <http://ssrn.com/>.
- Chen, C. , Collins, D. , Kravet, T. , Mergenthaler, R. (2016). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemporary Accounting Research*, Forthcoming.
- Chen, X. Hu, N. Wang, X. Tang, X. (2014). Tax avoidance and firm value: evidence from China, *Nankai Business Review International*, 5 (1) , 25-42.
- Choi, J. , Choi, S. , Myers, L. , Ziebart, D. (2015). Financial statement comparability and the informativeness of stock prices about future earnings. Working Paper. *Seoul National University*.
- Darabi, R. , Pashanejad, Y. , Tadayonfard, E. (2017). Examination of the Relationship between Social Responsibility, Economic Performance and Tax Avoidance in Companies Listed in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Iranian Accounting Review*, 4 (15) , 67-92. (In Persian)
- Davari, A. and Rezazadeh, A. (2013). Structural Equation Modeling with PLS Software. *Jahad University Press, Tehran, Second Edition*. (In Persian)
- De Franco, G. , Kothari, S. , Verdi, R. (2011). The Benefits of Financial Statement Comparability, *Journal of Accounting Research*, 49 (4) , 895-931.
- Desai, M. A. , & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145-179.
- Fakhari, H. , Rezaei Pitenoiei, Y. (2017). Explaining a Model for Measuring Corporate Information Environment, *Quarterly financial accounting journal*, 9 (33) , 121-147. (In Persian)

- Fakhari, H. , Rezaei Pitenoei, Y. (2017). The impact of audit committee and its characteristics on the firms' information environment. *Iranian Journal of Management Studies*, 10 (3) , 573-594.
- Fakhari, H. , Rezaei Pitenoei, Y. (2018). Impact of Audit committee on the Companies Information Environment, *Management Accounting*, 11 (36) , 63-79. (In Persian)
- FASB (Financial Accounting Standards Board). (2010). Statement of Financial Accounting Concepts No. 8. Conceptual Framework for Financial Reporting, Chapter 1, the Objective of General Purpose Financial Reporting, and Chapter 3, Qualitative Characteristics of Useful Financial Information. Norwalk, CT: FASB.
- Fornell, C. , Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error, *Journal of Marketing Research*, 18 (1) , 39-50.
- Foroghi, D. , Ghasemzad, P. (2016). The Effect of Financial Statements Comparability on Stock Price Synchronicity, *Journal of Financial Accounting Research*, 8 (1) , 39-54. (In Persian)
- Gallemore, J. , Labro, E. (2015). The importance of the internal information environment for tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*, 60 (1) , 149-167.
- Graham, J. , Tucker, A. (2006). Tax shelters and corporate debt policy. *Journal of Financial Economics*, 81 (3) ,563-594.
- Habib, A. , Hasan, M. and Alhadi, A, K. (2018). Financial Statement Comparability and Idiosyncratic Return Volatility. *International Review of Finance*, Forthcoming.
- Habib, A. , Hasan, M. and Alhadi, A, K. (2017). Financial Statement Comparability and Corporate Cash Holdings. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 13 (3) , 304-321.
- Hanlon, M. , Heitzman, S. , (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50,127-178.
- Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20 (2): 195-204.
- Jensen, M. C. & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency cost and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3 (4) , 305-360.
- Imhof, M. , J. , Seavey, S. , E. & Smith, D. (2017). Comparability and Cost of Equity Capital, *Accounting Horizons*, 31 (2) , 125-138.
- Kang, M. , Kim, J. W. , Lee, H-Y. , Lee, M-G. (2015). Financial statement comparability and audit Efficiency: evidence from South Korea. *Journal of Applied Economics*, 48 (4) , 358-373.

- Kia, A. , Safari Gerayli, M. (2017). Financial Statements Comparability, Accrual-based Earnings Management, Real Earnings Management; An empirical test of Tehran Stock Exchange, *Accounting Empirical Research of Financial*, 4 (2) , 115-137. (In Persian)
- Kim, J. B. , Li, L. , Lu, L. Y. , Yu, Y. (2016). Financial statement comparability and expected crash risk, *Journal of Accounting and Economics*, 61 (2-3) , 294-312.
- Kim, S. , Kraft, P. , Ryan, S. (2013). Financial statement comparability and credit risk. *Journal of Review of Accounting Studies*, 18 (3) , 783-823.
- Khodamipour, A. , Sheybani Tezerji, A. (2018). Investigating the Moderating Role of Real Earnings Management on the relationship between Customer Concentration and Tax Avoidance- Evidence from Tehran Stock Exchange, *Journal of accounting Knowledge*, doi: 10. 22103/jak. 2018. 10582. 2445 (In Persian).
- Lanis, R. and Richardson, G. (2012). Corporate Social Responsibility and Tax Aggressiveness: An Empirical Analysis, *Journal of Accounting and Public Policy*, 28 (5) , 86-108.
- Liao, C. H. (2009). Does corporate governanc reduce information asymmetry of intangibles? Ph. D Dissertation, Available at URL: <http://proquest.umi.com>.
- Mashaykhi, B. , Seyyedi, S. (2015). Corporate Governance and Tax Avoidance, *Journal of accounting Knowledge*, 6 (20) , 83-103. (In Persian)
- Mehrvarz, F. , Marfou, M. (2016). The Relationship between Financial Statements Comparability with Stock Price in Formativeness about Future Earnings, *Empirical Studies in Financial Accounting*, 13 (49) , 83-110. In Persian)
- Mohd, E. (2005). Accounting for Software development costs and information asymmetry, *The Accounting Review*, 80 (4) , 1211-1231.
- Rezaei, F. , Jafariniraki, R. (2015). The Relationship between Tax avoidance and firms' Accounting fraud, *Tax research*, 23 (26) , 109-134. (In Persian)
- Rezaei Pitenoei, Y. , Safari Gerayli, M. , & Norouzi, M. (2019). Modeling the moderating role of corporate governance in the relationship between social trust and tax avoidance, *Empirical Research in Accounting*, 9 (34) , 221-246. (In Persian).
- Safari Gerayli, M. , Poodineh, Sh. (2016). Tax Avoidance and Timeliness of Earnings Announcement: A Case Study of Tehran Stock Exchange, *Tax Research*, 24 (31) , 101-118. (In Persian).
- Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management, *Journal of Accounting and Public Policy*, 35 (5) , 513-539.

- Suk, I. , Zhao, Y. (2017). Does Financial Statement Comparability Deter Aggressive Tax Avoidance? Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3065250>
- Wasan, S. , Boone, J. P. (2010). Do accruals exacerbate information asymmetry in the market? *Advances in International Accounting*, 26 (1) , 66-78.